

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

دانشگاه تهران
دانشکده حقوق و علوم سیاسی

پایان نامه:
برای دریافت درجه کارشناسی ارشد روابط بین الملل

عنوان:
«تأثیر منابع نفت و گاز در تعیین رژیم حقوقی دریای خزر»

۷۳۶۹ **استاد راهنما:**
آقای دکتر رضا رئیسی طوسی

استاد مشاور:
آقای دکتر یوسف مولائی

نگارش:
مهدی بیژنی

نیمسال اول: ۱۳۷۸-۱۳۷۹

سپاس و قدردانی

اکنون که این رساله به پایان رسیده است، بر خود فرض می‌دانم تا از عزیزانی که در انجام آن مرا یاری نموده‌اند تشکر و قدردانی نمایم. به طور قطع بخش بزرگی از موفقیت خود را مدیون راهنمایی و همکاری این بزرگواران هستم.

قبل از همه از استاد راهنمایم آقای دکتر رضا رئیسی طوسی و استاد مشاورم آقای دکتر یوسف مولائی تشکر و قدردانی به عمل می‌آورم.

همچنین از دوستان خوبم آقایان غلامرضا فیروزیان و حسن هادی بیگلو که در تایپ و تکثیر این رساله مرا یاری نمودند تقدیر می‌نمایم.

در پایان، از دوست عزیزم آقای دکتر رسول افضلی به خاطر همکاری صمیمانه‌اش سپاس گذارم.

فهرست مطالب

مقدمه	۱
فصل اول- منابع نفت و گاز دریای خزر	۷
بخش اول- شناخت اجمالی از دریای خزر	۷
گفتار اول- تاریخ شناسایی دریای خزر	۷
گفتار دوم- جغرافیای دریای خزر	۱۱
گفتار سوم- اهمیت اقتصادی دریای خزر (جز منابع معدنی)	۱۵
بخش دوم- نفت و گاز	۱۷
گفتار اول- اهمیت ژئوپلیتیک نفت و گاز حوزه دریای خزر	۱۷
گفتار دوم- جایگاه دریای خزر در استراتژی انرژی جهان	۲۰
گفتار سوم- میزان ذخایر منطقه	۲۳
گفتار چهارم- موقعیت مکانی ذخایر نفت و گاز در کشورهای ساحلی خزر	۲۸
گفتار پنجم- نقش نفت و گاز در اقتصاد کشورهای ساحلی خزر	۳۹
بخش سوم- خطوط پیشنهادی انتقال انرژی و مداخله ایالات متحده امریکا	۴۷
گفتار اول- راه‌های پیشنهادی انتقال انرژی	۴۷
گفتار دوم- سیاست خارجی امریکا از آغاز جنگ جهانی دوم تا فروپاشی شوروی	۵۷
گفتار سوم- سیاست خارجی امریکا پس از جنگ سرد	۶۰
گفتار چهارم- نظم نوین امریکا	۶۴
گفتار پنجم- مداخله امریکا برای کنترل منابع خزر	۶۷
گفتار ششم- امریکا و رژیم حقوقی دریای خزر	۶۸
فصل دوم- بررسی وضعیت حقوقی دریای خزر	۷۰
بخش اول- قراردادهای مربوط به دریای خزر	۷۱
گفتار اول- وضعیت حقوقی دریای خزر تا قبل از انقلاب اکتبر ۱۹۱۷	۷۲
گفتار دوم- وضعیت حقوقی خزر بعد از انقلاب اکتبر ۱۹۱۷	۷۲
گفتار سوم- مقررات حاکم بر دریای خزر	۷۴
گفتار چهارم- نظریه تقسیم دریای خزر	۷۹

- گفتار پنجم - نظریه مشاع و مشترک بودن دریای خزر ۸۱
- گفتار ششم - اصول حاکم بر رژیم حقوقی دریای خزر ۸۷
- بخش دوم - سنجش اعتبار قراردادهای مربوط به دریای خزر ۸۹
- گفتار اول - فروپاشی شوروی و بروز تحولات جدید ۹۰
- گفتار دوم - جانشینی کشورها در معاهدات بین‌المللی ۹۱
- گفتار سوم - جانشینی کشورها در معاهدات مطابق کنوانسیون وین ۹۳
- گفتار چهارم - قاعده عدم انتقال یا دکترین لوح پاک ۱۰۰
- گفتار پنجم - تغییر بنیادین اوضاع و احوال ۱۰۱
- گفتار ششم - اعلامیه مینسک و آلماتی ۱۰۴
- بخش سوم - حقوق بین‌الملل دریاها و پهنه آبی خزر (خزر دریاست یا دریاچه؟) ۱۰۶
- گفتار اول - تعریف دریاچه ۱۰۶
- گفتار دوم - مفهوم دریای بسته و نیمه‌بسته ۱۰۷
- گفتار سوم - وضعیت پهنه آبی خزر ۱۱۱
- فصل سوم - نفت، گاز و رژیم حقوقی دریای خزر ۱۱۶
- بخش اول - تحولات پس از فروپاشی شوروی ۱۱۷
- گفتار اول - واکنش جمعی در وضعیت جدید ۱۱۷
- گفتار دوم - پیدایش تعارضات ۱۱۹
- بخش دوم - مواضع حقوقی کشورهای ساحلی ۱۲۰
- گفتار اول - روسیه ۱۲۱
- گفتار دوم - ایران ۱۲۹
- گفتار سوم - ترکمنستان ۱۳۴
- گفتار چهارم - آذربایجان ۱۳۶
- گفتار پنجم - قزاقستان ۱۳۹
- بخش سوم - چگونگی ارتباط متغیرهای فرضیه پژوهش ۱۴۰
- گفتار اول - آذربایجان ۱۴۱
- گفتار دوم - قزاقستان ۱۴۳
- گفتار سوم - ترکمنستان ۱۴۵

۱۴۷	گفتار چهارم - روسیه
۱۵۰	گفتار پنجم - ایران
۱۵۱	گفتار ششم - آمریکا
۱۵۳	نتیجه گیری
۱۶۲	فهرست منابع
۱۶۲	الف - منابع فارسی
۱۶۳	مقالات فارسی
۱۶۵	منابع انگلیسی
۱۶۷	اینترنت
۱۶۸	ضمیمه

مقدمه

دریای خزر تا قبل از فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی، به صورت مشترک توسط این کشور و ایران استفاده می‌گردید. مقررات حاکم بر این دریا نیز منبث از دو معاهده؛ مودت سال ۱۹۲۱ و بازرگانی و بحریمایی سال ۱۹۴۰ بوده است. البته قرارداد صلح ترکمانچای ۱۸۳۸ نیز برای مدتی بعد از جنگ ایران و روس روابط دو کشور را در این دریا تنظیم می‌کرده است. قرارداد مودت منعقد شده بین ایران و اتحاد جماهیر شوروی در سال ۱۹۲۱ مفاد قرارداد صلح ترکمانچای را - که در دریای خزر به ضرر ایران بوده است - ملغی نمود.

با این وصف از سال ۱۹۲۱ تا فروپاشی شوروی، قرارداد مودت و قرارداد تجارت و بحریمایی به عنوان منبع حقوقی تنظیم کننده رفتار دو کشور در دریای خزر بوده‌اند و دو کشور ایران و شوروی طی بیانیه مشترکی که بعد از انعقاد قرارداد ۱۹۴۰ منتشر نمودند، اعلام کردند که دریای خزر «دریای مشترک ایران و شوروی» می‌باشد.

حال ما در اینجا به جنبه‌های حقوقی قراردادها نمی‌پردازیم. فقط به دنبال آن هستیم تا چگونگی پیدایش مسئله رژیم حقوقی دریای خزر را به صورت اجمالی بیان کنیم، تا براساس آن بتوانیم فرضیه پژوهش مان را ارائه نماییم.

به هر صورت دو کشور تا زمان فروپاشی در چگونگی استفاده از دریای خزر دچار مشکل چندانی نشده‌اند. به طور واضح تر این که هر دو طرف رژیم حقوقی موجود را پذیرفته بودند. البته تخلفاتی از مقررات دریا توسط شوروی صورت می‌گرفت. مثلاً اتحاد جماهیر شوروی از سال ۱۹۴۹ بدون در نظر گرفتن منافع ایران شروع به استخراج نفت از دریای خزر کرد؛ در مقابل ایران به این اعمال اعتراضی نکرده بود. این وضعیت تا فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی ادامه پیدا کرد.

اما به دنبال فروپاشی شوروی و پیدایش سه کشور دیگر در ساحل دریای خزر این وضعیت دچار تحول شده است. طوری که در حال حاضر پنج کشور دریای خزر را احاطه کرده‌اند. این پنج کشور عبارتند از: ایران، روسیه، آذربایجان، ترکمنستان و قزاقستان. به دنبال این تحول - اگر روسیه را به عنوان جانشین شوروی بشناسیم - سه کشور دیگر یعنی، آذربایجان، قزاقستان و ترکمنستان اصلاً طرف قرارداد نبوده‌اند و سؤال پیش می‌آید که آیا آنها براساس حقوق بین‌الملل ملزم به رعایت قراردادهای دولت سلف خود می‌باشند یا خیر؟ البته به این سؤال در قسمت‌های دیگر پاسخ خواهیم داد. از طرفی آیا این سه کشور یا ایران و روسیه خود را ملزم به رعایت قراردادهای حاکم بر رفتار دولت‌های ساحلی در دریای خزر که قبل از فروپاشی شوروی منعقد گردید می‌دانند یا خیر؟

با کمی دقت در موضع‌گیری‌های کشورهای ساحلی در می‌بایم که هر یک از آنها موضعی اختیار کرده‌اند که با موضع دیگری همسازی چندانی ندارد. از طرفی آذربایجان و قزاقستان معتقدند که قراردادهای قبلی نمی‌تواند بر رفتار کشورهای ساحلی در دریای خزر حاکم باشد و شرایط و اوضاع احوال جدید ایجاب می‌کند که رژیم حقوقی دریای خزر به گونه‌ای دیگر و مطابق با قواعد حقوق بین‌الملل دریاها تعیین گردد از طرفی دیگر روسیه، ایران و تا اندازه‌ای ترکمنستان قراردادهای قبلی را همچنان معتبر می‌دانند و رژیم حقوقی دریای خزر را تابع حقوق بین‌الملل دریاها نمی‌دانند.

با همه این اوصاف سؤال این است که علل این اختلاف و تعارض مواضع حقوقی میان کشورهای ساحلی چیست؟ یا به‌طور واضح‌تر چرا بعضی از کشورها همچون آذربایجان و قزاقستان از تقسیم دریا حمایت می‌کنند ولی ایران، روسیه و تا حدودی ترکمنستان^۱ از نظریه اشتراک بهره‌برداری از دریای خزر دفاع می‌نمایند؟

از نظر نگارنده وجود منابع نفت و گاز فراوان در دریای خزر باعث شده است که هر یک از کشورها مواضع مختلفی راجع به رژیم حقوقی دریا داشته باشند. به‌طور واضح‌تر تر این پژوهش به این صورت است: «هر یک از کشورهای ساحلی تلاش می‌نمایند. حتی الامکان منابع نفت و گاز بیشتری را به واحد خود تخصیص دهند، در همین راستا کشورهای ساحلی تلاش می‌کنند، رژیم حقوقی دریای خزر را طوری شکل دهند که هدف فوق برآورده شود».

علاوه بر این ایالات متحده آمریکا با وجودی که کشور ساحلی خزر محسوب نمی‌شود،

۱. لازم به ذکر است ترکمنستان با وجود آنکه در اظهارات مختلف از اشتراک بهره‌برداری از منابع خزر دفاع کرده است ولی در عمل از نظریه تقسیم دریا پیروی می‌کند طوری که سعی نموده است تا اختلاف خود بر سر جزایری در دریای خزر را با آذربایجان و با میانجیگری آمریکا حل بنماید.

ولی نفوذ آن بر بعضی از کشورهای ساحلی دریای خزر باعث شده است، این کشورها بر موضعی اصرار بورزند یا این که از موضعی دفاع نمایند. بنابراین ما مبحث مداخله امریکا را در دریای خزر، پس از بررسی خطوط مختلف انتقال انرژی، مورد مذاقه قرار می دهیم و پس از بررسی سیاست های امریکا در امر انتقال انرژی (نفت و گاز) تأثیر آن را بر رژیم حقوقی دریای خزر تشریح می نماییم.

به این منظور، مطالب پژوهش به سه فصل تقسیم خواهد شد در فصل اول متغیر وابسته

فرضیه مورد بررسی قرار می گیرد و شاخص های آن تشریح می گردد. برای سهولت کار مطالب فصل اول به سه بخش تقسیم می گردد. به جهت لزوم شناسایی دریای خزر و اهمیت آن به لحاظ تاریخی، اقتصادی و جغرافیایی بخش اول فصل اول به این امر اختصاص خواهد داشت. در بخش دوم که اصلی ترین بخش فصل اول می باشد به بررسی دقیق متغیر وابسته می پردازیم. به این صورت که اهمیت نفت و گاز حوضه دریای خزر در اقتصاد جهانی و کشورهای ساحلی از یک طرف و میزان ذخایر نفت و گاز آن از طرفی دیگر مورد مذاقه قرار می گیرد. در بررسی میزان ذخایر دریای خزر سهم هر یک از کشورها در صورت تقسیم بررسی می گردد. البته در بررسی ذخایر دریای خزر سعی می شود موقعیت جغرافیایی این میادین نیز مشخص گردد.

در بخش سوم فصل اول خطوط مختلف انتقال انرژی دریای خزر بررسی می گردد، تا براساس آن، سیاست امریکا در دریای خزر تشریح گشته و تأثیر آن در تعیین رژیم حقوقی دریای خزر توضیح داده شود.

ذخایر دریای خزر سعی می شود موقعیت جغرافیایی این میادین نیز مشخص گردد.

در بخش سوم فصل اول خطوط مختلف انتقال انرژی دریای خزر بررسی

می گردد، تا براساس آن، سیاست امریکا در دریای خزر تشریح گشته و تأثیر آن در تعیین

رژیم حقوقی دریای خزر توضیح داده شود.

۳

در فصل دوم پژوهش رژیم حقوقی موجود دریای خزر بررسی می گردد. برای

سهولت کار این بخش نیز به چهار بخش تقسیم می گردد در بخش اول وضعیت حقوقی

دریای خزر تا سال ۱۹۹۱ بررسی گشته، و ضمن آن مقررات حاکم بر کشتیرانی،

بهره برداری از آبزیان، مرزها تشریح می گردد. در بخش دوم نیز برای فهم بیشتر

قراردادهای حاکم بر دریای خزر تا قبل از فروپاشی شوروی، اصول حاکم بر

قراردادهای فوق بیان خواهد شد و در بخش سوم آن نیز مسئله جانشینی دولت ها از

لحاظ حقوق بین الملل بررسی می گردد تا براساس آن اعتبار قراردادهای حاکم بر روابط

کشورهای ساحلی دریای خزر (۱۹۲۱ و ۱۹۴۰) سنجیده شود، در پایان این بخش

واکنش کشورهای ساحلی خزر به وضعیت جدید بعد از فروپاشی شوروی و پیدایش

تعارضات میان آن بررسی می گردد.

در نهایت در بخش چهارم فصل دوم به سؤال مهمی که در تعیین رژیم حقوقی

دریای خزر مطرح است یعنی، خزر دریاست یا دریاچه؟ پاسخ داده خواهد شد. برای

این منظور ضمن تعریف دریاچه و دریای بسته و نیمه بسته، وضعیت دریای خزر بیان

می گردد.

۳ فصل سوم به سنجش چگونگی ارتباط دو متغیر اصلی پژوهش اختصاص

خواهد داشت. (این فصل نیز به دو بخش تقسیم می‌گردد. در بخش اول مواضع هر یک

از کشورها بررسی می‌شود، تا در بخش دوم آن چگونه ارتباط دو متغیر اصلی پژوهش

مورد مذاقه قرار گیرد.

در نهایت از مجموع بحث‌های پژوهش نتیجه‌گیری خواهد شد.

فصل اول- منابع نفت و گاز دریای خزر

بخش اول- شناخت اجمالی از دریای خزر

قبل از این که وارد مبحث اصلی پژوهش مورد نظرمان شویم، لازم است به طور اجمال نسبت به تاریخ و جغرافیای دریای خزر شناختی کسب نماییم زیرا که بحث راجع به هر منطقه‌ای یا هر نقطه جغرافیایی مستلزم شناخت دقیق موقعیت مکانی آن منطقه و دیگر خصوصیات است که مقدمه ورود به مباحث اصلی می‌باشد.

گفتار اول- تاریخ شناسایی دریای خزر

دریای خزر به دلیل موقعیت جغرافیایی و اقتصادی خود در طول تاریخ همواره از اهمیت بسیاری برخوردار بوده است و هر قوم، ملت یا هر صاحب نظری بنا به سلیقه و انگیزه خاص، نامی بر این دریاچه نهاده است.

برای اولین بار جغرافیدان و مورخ یونانی به نام هکاتیاس میلسیاس (قرن ۵-۶ قبل از میلاد) از این دریا به عنوان «دریای هیرکانی» نام می‌برد و هرودت در قرن پنجم پیش از میلاد از بسته بودن دریای خزر و عدم پیوستگی آن با هیچ یک از دریاهاى دیگر، خبر داده است. از قرن ۴ پیش از میلاد با ظهور اسکندر مقدونی و دستور او راجع به بررسی دریای خزر، اطلاعات بیشتری راجع به دریای خزر جمع‌آوری گردید. بعد از آن نیز جغرافیدانان دیگر یونانی مثل استرابون، پلینی و دانشمند رومی پومپونی ملا، اطلاعات گسترده‌تری راجع به این دریا ارائه دادند. پومپونی ملا (قرن اول میلادی) نشان داد که این دریا به خلیج‌های هیرکان، اسکیف و کاسپی تقسیم می‌شود. از جغرافیدانان بعدی، بطليموس نیز مثل هرودت بسته بودن دریای خزر را تأیید کرده بود.^۱

اطلاعات دانشمندان عرب و ایرانی که با آثار جغرافیدانان یونان باستان آشنایی داشته‌اند، گسترده‌تر می‌باشد. خوارزمی ریاضیدان و منجم برجسته ایرانی، مختصات ریاضی دریای خزر را تعیین کرده است. استخری در کتاب مسالک و ممالک خود، حدود دریای خزر، جزایر، آن ورودهایی را که به آن می‌ریزند و نیز شهرهای ساحلی آن را مشخص نمود. مسعودی (قرن دهم) درباره شناورهای روسی، نفت باکو، آتشفشان فعال یکی از جزایر و غیره اطلاعاتی ارائه داده است. دیگر دانشمندان مثل ابوحمید القرناطی، یاقوت حموی، ذکریای قزوینی، ابوالفداء، استخری، ابن خرداد به، مقدسی، حمدالله مستوفی نیز اطلاعات گوناگون و در پاره‌ای موارد مشابه درباره دریای خزر ارائه داده‌اند.^۲

۱. بهرام احمدیان، «جغرافیای دریای خزر» فصلنامه مطالعات آسیای مرکزی و قفقاز، شماره ۱۴ (تابستان ۱۳۵۷)، ص ۲۱.
۲. همان.

از بررسی منابع مختلف چنین بر می آید که دریای خزر دارای نام‌های متفاوتی بوده است. در اینجا برای جلوگیری از اطاله کلام از ذکر همه آنها خودداری می‌گردد. فقط به ذکر دو نام «کاسپین» و «خزر» که بیش از همه معمول می‌باشند، بسنده می‌کنیم. نام خزر از نام اقوامی گرفته شده است، که در سواحل شمالی دریای خزر زندگی می‌کرده‌اند و به مرور زمان از بین رفته یا در اقوام دیگر مستحیل شده‌اند. این نام بیشتر توسط مردمان کناره‌های جنوبی دریای خزر بر آن نهاده شده و کاربرد دارد. نام کاسپین نیز از نام اقوامی به نام «کاسپی»‌ها که در کناره‌های جنوبی دریای خزر می‌زیسته‌اند گرفته شد. این نام بیشتر توسط مردمان مناطق شمالی بر این دریا نهاده شد و استعمال می‌گردد.

برخی از صاحب‌نظران کاربرد نام فعلی «خزر» را برای این دریا مناسب نمی‌دانند و معتقدند که این نام منسوب به قوم «خزر» یا منسوب به قوم «غزها» می‌باشد که حدود هزار سال پیش به طور تدریجی با قدرت گرفتن مهاجمین وایکینگ روس و در نهایت با حمله مغول‌ها از بین رفته‌اند. آنها تأکید می‌نمایند که بهتر است دریای خزر را به نام دریای مازندران بنامیم و آن را با نامی که سال‌هاست، دیگر هیچ ارتباطی با آن ندارد نخوانیم.^۱

به هر حال تا اینجا ما راجع به شناسایی دریای خزر توسط مورخین و دانشمندان در قرون گذشته مطالبی ذکر کردیم. اما باید گفت، بررسی منظم دریای خزر در اوایل قرن هیجدهم توسط روس‌ها آغاز گردید. در دهه ۲۰ قرن هیجدهم، ای. ف. سویمونف بررسی آب‌شناسی دریای خزر را آغاز کرد. در اوایل قرن نوزدهم نیز برای اولین بار با استفاده از

۱. سیدکمال حاج سیدجوادی، «نام‌های دریای مازندران» فصلنامه مطالعات آسیای مرکزی و قفقاز، شماره ۱۴ (تابستان ۱۳۷۵)، ص ۱۴.